

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۲۳ فبروری ۲۰۲۴

انارگل خوستی

تفاوت ها در خاطرات

به تاریخ بیستم فبروری یکی از برادران جوهره برخوردار از خاطره تلخ خود در شش صفحه روی کاغذ را به منظور سفید نمودن روی سیاه خود و حزبی گگ های خاین خود، سیاه نموده است. جای تعجب است که خاطرات تلخ این تفاله ها از خاطرات تلخ بقیه اتباع آن سرزمین، از زمین تا آسمان متفاوت می باشد. در حالیکه هموطن محترم دیگری از خاطرات الله و اکبر در سوم ماه حوت سال ۱۳۵۸ یاد و بود نموده است.

اما جناب داکتر و فیلسوف تحت عنوان خاطره تلخ، از شروع تا به اخیر مضمون گله و شکایت از دوران قبل از کودتای منفور و ننگین ثور و مخصوصاً دوره شاهی به انواع و اقسام مختلف می نماید و دلیلش هم برانت دادن به کودتای خونین خائنین و وطن فروشان، به شوروی خون آشام چیزی دیگری نبوده و تکراراً در تمام مضامین وی این جفنگیات ملاحظه می شود. این شخص در لابلای جفنگ گویی هایش، می پردازد به تبرئه نمودن حزب منحلۀ نادیموکراتیک و خاین و تبرئه نمودن اعضای آن.

وی از هر گوشه و کنار عکس ها را به صورت پراکنده جمع نموده و در بغل و بغل مضمون خود می چسپاند که اکثراً شناخته نمی شوند، اما برای این شخص مهم این است که با چسپاندن عکس های متفرقه، عکس های پیر و پیشوا های لعین خود را نیز داخل نماید.

در مضمون قبلی اش از به دار آویختن قصاب کابل و برادرش گله داشت به این معنی که قصاب و جلاد کشور با برادرش توسط افراطی ها به دار آویخته شدند. اما هیچگاه از قتل های حزب نادیموکراتیک خود و مخصوصاً از به شهادت رساندن تعداد زیادی از هموطنان ما بدون داشتن کوچکترین گناه حرفی نمی زند .

او آنقدر در تخیلات خود غرق است که حتی گور های دسته جمعی این جنایت کاران، هنوز که هنوز است در اطراف و اکناف کشور کشف می شود، ندامت نمی کشد و به چرندیات خود ادامه می دهد و از اینکه قصاب کابل با برادر خاین اش به سزای اعمال شان رسانیده شدند، متأثر می باشد، اما برای افغان ها و مخصوصاً آنهاست که توسط این جلاد بدون داشتن هیچ گناهی شهید شده اند، خمی بر ابرو نمی آورد.

در جای دیگر مضمون خود، تمام قتل ها و بدبختی ها را به گردن مبارزین راه آزادی وطن می اندازد حتی می نویسد که کشتار و حوادثی که در هرات اتفاق افتاد، مسؤلیت آن به دوش مبارزین می باشد؛ ناگفته نباید گذشت که در آن روز زیاده از سی هزار افغان در شهر هرات به امر نجیب گاو، مشهور به قصاب کابل به قتل رسانیده شدند.

به گوشه از چرندیات این شخص یک نگاه میکنیم:

"گروپ های که از آن ها تا به حال با نام "خلق" و "پرچم" یاد می کنند، با وجود آنکه از بیش از سه دهه، بدینسو موجودیت سیاسی و سازمانی ندارند، باز هم تمام سالیان بعدی حوادث بحران را با آن نامها، یاد می کنند"

تناقص گویی این شخص حد و حدود ندارد، اول مضامین پی در پی شما هر دو برادر که شکل دفاعیه را دارد خودش نشان دهنده تلاش های مذبحخانه شما از یک طرف برای برائت دادن و از طرف دیگر جهت تبلیغات برای حزب منحلۀ تان می باشید، این خودش نشان می دهد که موجودیت سازمانی دارید.

دوم حوادث بعدی حاصل همان کودتای حزبی گگ های ناکام و وطنفروش که تهاجم شوروی جنایت کار را نیز فراهم ساختند، که تا امروز دامن کشور عزیز ما از آن رهایی ندارد.

نویسنده محترمی که در بالا ذکر گردید که یاد و بود از حماسه سوم حوت سال ۱۳۵۸ کابل نموده است، بلی در آن زمان و در دل شب، که از زمین و زمان آواز الله و اکبر بلند بود و طنین آواز الله و اکبر گویان که تمام مردم کابل را در بر می گرفت، چنان با عظمت بود که قصر پوشالی خلقی ها و پرچمی ها را با باداران شان که مانند موش ها غار می پالیدند، با لرزه در آورده بود.

اما با روشنی صبح همه با زره ها ملبس و از داخل تانک ها و هلیکوپتر ها از طریق زمین و هوا به کشتار مردم که تنها حربه شان الله و اکبر بود آتش گشودند و جوی های خون را سرازیر ساختند.

بفرمائید جناب داکتر فلسفه، آیا این هم دروغ است؟

شما موره های سوخته شده آن حزب منحل در هر نقطه دنیا که هستید، عوض پروپاگند سر به گریبان نمائید، از کرده پشیمان و از مردم طلب بخشش کنید. میدانیم که در تمام حزب منحل تان حتی یک نفر هم جرئت و شهامت اظهار ندامت از جنایات بی حد و حصر تان ندارد، اما اگر کمی هم از آدمیت هنوز در تن بیمار تان باقی باشد، این شهامت را حتی برای یک لحظه داشته باشید که اعتراف کنید، اشتباه کرده اید. تنها آنگاه شما و عملکرد های ننگین تانرا به خالق یکتا می سپاریم و در قبال تان خاموشی اختیار میکنیم، اما فراموش هرگز.